



## فهرست

۲	.....	مقدمه
۲	.....	تربیت اخلاقی در روایات
۲	.....	روایات شنا و تیراندازی
۳	.....	بررسی روایت
۳	.....	روایات تربیت اقتصادی و شغلی
۳	.....	روایت اول
۴	.....	روایت دوم
۴	.....	جمع‌بندی روایات
۵	.....	روایات آداب طعام
۵	.....	بررسی روایت
۵	.....	تکمله بحث آداب اجتماعی
۶	.....	۱- ادب سلام کردن
۶	.....	۲- انتخاب دوست
۶	.....	۳- حسن اخلاق در تعامل با دیگران
۷	.....	نکات
۹	.....	روش‌های عمومی تربیتی



بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه

آنچه در اینجا عرض می‌کنیم، تکمله‌ای به بخش‌هایی از مباحث قبل است و بحث جدیدی را با عنوان جدید نمی‌آوریم بلکه بیش‌تر متمیم مباحث قبل است به‌گونه‌ای که هر یک در یکی از جایگاه‌های سابق قرار می‌گیرد. در این مطالب از جلد سوم موسوعه احکام الاطفال استفاده شده. نکاتی آمده و توضیحاتی نیز اضافه می‌کنیم.

## تربیت اخلاقی در روایات

### روایات شنا و تیراندازی

در ساحت تربیت جسمانی و بدنی، قواعد و کلیاتی را ذکر کردیم و مباحث بسیاری انجام شد. در ذیل آن ساحت تربیت بدنی و جسمانی، روایاتی هم در مورد شنا و تیراندازی نقل شده است. در بحث شنا و تیراندازی به عنوان دو تفریح مستحب و ممدوح، در شرع به‌طور کلی روایاتی داریم. در خصوص اطفال نیز روایاتی مطرح شده است. این چیزی است که به‌طور خاص، به آن نپرداخته بودیم. در صفحه چهارصد و هفتاد و هشت این کتاب اگر ملاحظه کنید، یک روایت از کافی نقل کرده است. در آنجا کافی از یعقوب بن سالم نقل کرده است که: «قال امیرالمؤمنین علیه‌السلام: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ»<sup>۱</sup> که اینجا به سباحه و رمایه یعنی شنا و تیراندازی امر شده است. البته چون ارتکاز بیرونی بر این امر داریم، مطمئن هستیم چنین چیزی وجود ندارد و حمل بر استحباب می‌شود. این مسئله در وسائل نیز، جلد پانزده، در ابواب احکام اولاد است که ما آن را نخوانده بودیم. در نهج‌الفصاحه هم به‌صورت مرفوعه و مقطوعه آمده که آن هم دارد: «عَلِّمُوا أَبْنَاءَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ»<sup>۲</sup> در طرق اهل سنت هم از کنز العمال نقل شده: «حَقَّ الْوَلَدِ عَلَيِ الْوَالِدِ أَنْ يَعْلَمَهُ الْكِتَابَةَ وَ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ»<sup>۳</sup>.

۱- اصول کافی، جلد ۶، صفحه ۴۷، حدیث ۴.

۲- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۵۶۷.

۳- همان، ص: ۴۴۷.



## بررسی روایت

بنابراین در این بحث، دو روایت شیعی و دو سه روایت از عامه از کنز العمال داریم که در صفحه چهارصد و هفتاد و هشت آن‌ها را می‌بینیم. البته سند معتبری ندارد و تعدد احادیث هم خیلی بالا نیست. کلاً پنج یا شش روایت در باب این‌که به بچه‌ها آموزش سنا و تیراندازی بدهید نقل شده که چون سند معتبری ندارند فقط می‌توانیم بگوییم همین تعداد روایات در موضوعی که اصل سباحه و رمایه مستحب است، اطمینانی برای ما ایجاد می‌کند و الا سند ندارند. این یک تکمله در بحث بدنی و جسمانی که از بحث‌های ورزشی است ارائه شد.

## روایات تربیت اقتصادی و شغلی

یک بحث در تربیت اقتصادی و شغلی همان تَضَعَهُ مَوْضِعًا حَسَنًا بود که قبلاً بحث کردیم، اما به‌طور خاص در اینجا روایتی نقل شده که آن را بیان می‌کنیم.

## روایت اول

از اسحاق بن عمار در روایت مفصل و مشهوری نقل شده که می‌فرماید: وارد بر امام صادق شدم و به حضرت عرض کردم: فرزنددار شدم و پسری به دنیا آمده. حضرت فرمود: نام‌گذاری کرده‌ای؟ گفتم: بله اسمش را محمد گذاشته‌ام. حضرت فرمودند: «فَلَا تَضْرِبْ مُحَمَّدًا وَلَا تَسْبَهُ جَعَلَهُ اللَّهُ قُرَّةَ عَيْنٍ لَكَ فِي حَيَاتِكَ وَ خَلْفَ صِدْقٍ مِنْ بَعْدِكَ» حال که نامش را محمد گذاشتی او را زن و دشنامش نده و سپس حضرت او را دعا کردند. مرد سؤال کرد: «جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي أَيِّ الْأَعْمَالِ أُضَعُّهُ؟» او را در چه شغلی ببرم؟ حضرت فرمود: «إِذَا عَدَلْتَهُ عَنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ فَضَعَهُ حَيْثُ شِئْتَ لَا تُسَلِّمُهُ صَيْرَفِيًّا فَإِنَّ الصَّيْرَفِيَّ لَا يُسَلِّمُ مِنَ الرَّبِّ وَلَا تُسَلِّمُهُ بِيَّاعَ الْأَكْفَانِ وَ...»<sup>۴</sup> حضرت فرمودند: در پنج کار قرارش نده و بعضی از مشاغلی که نوعی کراهت دارد را در ادامه بیان می‌کنند و می‌فرمایند: بجهات را به آن سمت نبر.

## بررسی روایت

این روایت در کافی است. در وسائل هم در باب بیست و یک، ابواب ما یکتسب به آمده. سند این روایت معتبر نیست چراکه در دو تائید از اسحاق بن عمار محل بحث است ولی در ذیل مباحث تربیت اقتصادی و شغلی باید به این

<sup>۴</sup> - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۱۱۴.



روایت اشاره بکنیم. در اینجا گویا حضرت مسئولیتی به او می‌دهد و می‌فرماید: طوری تنظیم کنید که بچه به سمت مکاسبی که حتی مکروه هم هست نرود پس به طریق اولی باید کاری کنید که به سمت محرّمات نرود. در واقع یک نوع توجه به این‌که از نظر ارزشی، در کسب‌هایی مشغول شود که مشکلی حتی به لحاظ کراهت ندارد. این مؤید مسئولیت‌های مستحب هم می‌شود. این روایت قرینه بر روایتی است که تضعه موضعا حسنا، در تضعه می‌گفتیم دو معنا دارد: یک معنای آن معنای اقتصادی بود. تضعه موضعا حسنا، یعنی در کاری او را بگمار که کار خوبی باشد. این قرینه بر این است که وقتی حضرت در جواب مرد می‌گویند: تضعه... معلوم می‌شود در حد یک اصطلاح است و در مورد کسب و کار به کار می‌رود.

## روایت دوم

روایت دیگری هم هست که از تهذیب الاحکام جلد شش صفحه سیصد و شصت و چهار نقل شده، حدیث هزار و چهل و یک است. روایت بعدی هم همین مضمون را دارد. روایت مفصلی است که شخصی خدمت حضرت موسی بن جعفر عرض می‌کند: من نوشتن را به بچه‌ام آموختم. اکنون او را در چه کاری قرار دهم؟ حضرت فرمودند: در کارهای مکروه مثل قصاب و سائق و حناط و... قرار نده. بعد فلسفه‌ای هم ذکر می‌کند که در تهذیب، جلد شش، حدیث هزار و سی و هشت است. روایت دیگر هم حدیث هزار و چهل و یک است. ظاهراً، نباید سند این دو معتبر باشد ولی باز همان مضمون را دارد.

## بررسی روایت

به نظر هیچ‌کدام از روایات معتبر نیست. به هر حال سه روایت در بحث شغلی و اقتصادی وجود دارد که به طور مستقل عرض نکردیم.

## جمع‌بندی روایات

بنابراین در بحث تربیت بدنی پنج روایت بود که قبلاً به طور مستقل نگفته بودیم ولی سند معتبر نداشت ولی به هر حال نشان‌دهنده این است که ترغیبی در این هست که سباحه و رمایه را به فرزند بیاموزیم. این سه چهار روایت هم که شاید هیچ‌کدام معتبر نباشد، در صفحه چهارصد و هفتاد و نه این کتاب هست. این هم در تربیت شغلی و اقتصادی است. البته



همه این‌ها روی قواعد عمومی هم همین‌طور می‌شد. اعانه بر برّ و اعانه بر اثم و این‌ها که قبلاً گفتیم. این دو بحث در ذیل تربیت بدنی و تربیت شغلی و حرفه‌ای است.

## روایات آداب طعام

یک قسمت هم در صفحه پانصد و نه اینجاست که در تربیت اخلاقی، در آداب فردی بحث طعام روایاتی اینجا نقل شده که هیچ‌کدام روایت معتبری نیست. چند روایت از عامه و خاصه نقل شده است. مثلاً در مورد آداب طعام از کافی، جلد شش، صفحه نودوشش، حدیث بیست‌وپنج است که: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْمَعُ عِيَالَهُ ثُمَّ يَضَعُ طَعَامَهُ فَيَسْمِي وَيُسْمُونَ اللَّهَ فِي أَوَّلِ طَعَامِهِمْ وَيَحْمَدُونَ اللَّهَ فِي آخِرِهِ فُتَرَفَعُ الْمَائِدَةُ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ»<sup>۵</sup> که از آداب غذا خوردن این است که زمانی که سفره می‌اندازد او و بچه‌ها با هم حمد خدا را بگویند. برای این کار برکاتی ذکر شده است.

## بررسی روایت

این روایت هم از مسمع نقل شده بنابراین سندش معتبر نیست. یا در روایت دیگری از عامه از صحیح مسلم نقل شده که پیامبر به بچه گفت: «یا غلام سمی الله و کل بیمنه» پیامبر ادب خوردن را یادش می‌دهد که نام خدا را بگو و با دست راست بخور. یا توصیه‌هایی که در همین‌جا در روایات دیگر می‌بینید. بنابراین علاوه بر عمومات و قواعد، روایات خاصه‌ای داریم ولو اعتبارش خیلی تام نیست.

## تکمله بحث آداب اجتماعی

اما بخش زیادی از روایات در باب تربیت اجتماعی است. در تربیت اجتماعی هم ما به قواعد اشاره کردیم. در این مسئله مجموعه روایاتی داریم که متفرق نقل شده و فراوان است.

<sup>۵</sup> - دعائم الإسلام، ج ۲، ص: ۱۱۷.



## ۱- ادب سلام کردن

به طور مثال درباره ادب سلام که یک ادب اجتماعی است، در صفحه پانصد و دوازده روایاتی آمده. یا در حدیث دیگر، توصیه‌ای که حضرت لقمان به فرزندش دارد، در حدیثی از اختصاص نقل شده که در صفحه پانصد و سیزده آن را می‌بینید.

قسمت زیادی از آداب اجتماعی و تربیت اجتماعی است که در چند بند آمده، از صفحه پانصد و چهارده تا پانصد و بیست و شش موجود است. مثلاً یکی از آن‌ها بحث در حوزه اجتماعی اخلاقی و روابط اجتماعی است که ده پانزده صفحه، نمونه‌هایش را می‌گوییم بعد بخش کلی آن را توضیح خواهیم داد. یکی بحث دوست و انتخاب آن است.

## ۲- انتخاب دوست

روایات متعددی داریم که جزء وصایای ائمه است که بر این مسئله تأکید دارند. در اینجا چند روایت موجود است که غالباً سندش تام نیست. مثلاً از تحف العقول آمده است که امام سجاد به بعضی از فرزندان‌شان می‌فرمودند: «انظُرْ خَمْسَةً فَلَا تُصَاحِبُهُمْ وَ لَا تُحَادِثُهُمْ وَ لَا تُرَافِقُهُمْ فِي طَرِيقٍ»<sup>۶</sup> که ایشان توصیه می‌کردند که از کذاب و... پرهیز کن. یا در نهج البلاغه مواردی نقل شده از جمله در عهد امام حسن، نمونه‌هایی در اینجا آمده و یا از لقمان در کتاب الاختصاص نقل شده که توصیه‌هایی که نسبت به دوست کرده است. در چهار پنج صفحه انواع توصیه‌هایی که حضرت لقمان و ائمه و بزرگان به فرزندان‌شان داشتند، هم در خصوص دوری از گروه‌های خاص و هم از حیث دوستی و هم در این‌که با چه کسانی رفیق و دوست شوند، مفصل در اینجا آمده است. این هم یک بخش است که در بخش تربیت اجتماعی توصیه‌هایی که نسبت به انتخاب دوست و اجتناب از دوستان آمده که روایات متعددی اینجا مطرح است که معمولاً سند این‌ها معتبر نیست ولی تعدد دارد.

## ۳- حسن اخلاق در تعامل با دیگران

در بحث بعدی که در تربیت اجتماعی است در صفحه پانصد و بیست و دو توصیه‌هایی در روایات متعدد نقل شده که اولیای الهی با فرزندان‌شان درباره رفتار خوب با مردم، داشتن اخلاق خوب در ارتباط با دیگران و بعضی از آداب

<sup>۶</sup> - تحف العقول، النص، ص: ۲۷۹.



اجتماعی و روابط و حفظ امانت، پرهیز از ظلم به دیگران، پذیرش عذر دیگران و امثال این‌ها در اینجا آمده است. این هم مجموعه از روایات است که اینجا آمده است.

وقتی این مجموعه روایات را می‌بینیم، از جهت فنی ولو این‌که خیلی معتبر نیست، ولی مطمئن هستیم که اولیای دین در حوزه همین روابط اجتماعی که بچه چگونگی با دیگران تعامل بکند، توصیه‌هایی مطرح کرده‌اند که مطمئن هستیم در اینجا عنایت ویژه‌ای نسبت به فرزندان در حوزه تربیت اجتماعی وجود داشته و این‌که بچه با این آداب و اخلاق اجتماعی پرورش پیدا کند.

و لو این‌که ما از حیث قواعد کلی هم قواعدی داشتیم که این مسئله را روشن می‌کرد و به صورت الزامی یا غیر الزامی بر دوش پدر و مادر می‌گذاشت؛ اما به عنوان قاعده کلی که ادله خاصه هم این را افاده کند، از مجموع این‌ها به خوبی برمی‌آید و قاعده‌اش هم این است.

## نکات

ذیل این مطلب به چند نکته باید توجه کرد:

۱- تعدد روایاتی که توصیه به ادب‌آموزی می‌کند یا آداب فردی و اخلاقی یا آداب اجتماعی را مطرح می‌کند، ما را از سند آن بی‌نیاز می‌کند.

۲- این روایات که اولیای الهی به فرزندان‌شان توصیه می‌کنند، دو جور می‌توان معنا کرد:

- یکی این‌که توصیه‌های عمومی است که همه می‌خواهند انجام بدهند ولی از باب یکی از مصادیق مکلفین، به فرزندشان گفتند. این یک جور توجیه است.

- یک توجیه این است که این توصیه‌هایی که به فرزندان‌شان شده عنایتی در آن از حیث رابطه فرزندی و پدری وجود دارد. ولو این‌که همه این‌ها جزء آداب اجتماعی و تربیت عمومی اجتماعی اسلام است و خوب است که عالم دینی دیگران را نیز به همین مسائل تربیت کند.

روایاتی هم که وارد شده، روایات مطلق است که برای همه مکلفین قابل صدق است؛ اما به این بیان که خطاب در این روایات متوجه فرزندان شده، می‌توان گفت عنایت خاصی در اینجا مطرح است.

بنابراین در همه این‌ها، اولاً از نظر سندی باید بپذیریم مجموعه این روایاتی که در توصیه‌ها و اقدامات تربیتی در ارتباط با ادب‌آموزی رفتاری فردی یا خانوادگی یا انواع آداب اجتماعی آمده که قابل اعتماد است و نمی‌شود



کلیتش را کنار گذاشت، علاوه بر این که قواعد عمومی هم هست، این است که این‌ها می‌تواند به عنوان ادله و خطابات تلقی شود، منتهی به فرزندش هم از باب کلی گفته است مثل این که تکالیف عمومی داریم. من به طور خاص به جمعی می‌گویم خدا گفته این‌ها را عمل کنید. می‌شود این‌طور عمل کرد. اگر این‌طور باشد، تربیت خاص خانوادگی بار خاصی ندارد. پس از لحاظ عمومی است که اینجا این چنین می‌گوید، ولی احتمال دارد که این توجیه خطابات به فرزندانش در این حوزه‌ها، با یک عنایتی است از حیث مسئولیت پدری است، غیر از مسئولیت عمومی است که مثلاً این شخص پیامبر است یا امام است. در این فضا عنایتی وجود دارد. پس بعید نیست مجموعه مسائل تأیید می‌کند که علاوه بر مسائل، عنایتی وجود دارد.

۳- نکته سوم این است که این‌ها چون سیره ائمه است، یعنی می‌بینیم آن‌ها به این توصیه‌ها اقدام کرده‌اند، پس این مفید رجحان است، یعنی خوب است که کسی به این امر اقدام کند. آداب و تکالیف اجتماعی فرزند و همین‌طور آداب فردی او را به او بیاموزید چراکه آن‌ها نیز این‌طور عمل کرده‌اند. این همان سیره است که از باب قاعده عامه که اصل سیره دلالت بر جواز است، اینجا قرائنی دارد که دلالت بر رجحان می‌کند اما دلالت بر وجوب از این استفاده نمی‌شود. ملاحظه می‌کنید در حوزه تربیت با اضافه کردن این بندها به بحث‌های سابق، می‌بینیم که در حوزه تربیت اجتماعی و اخلاقی و عبادی این‌ها باهم هم‌وزن هستند، یعنی توصیه زیاد است. البته در مرتبه عبادی درجه‌اش بالاتر بود، چون ادله تعیین می‌کرد ولی اینجا درجه بعد قرار می‌گیرد. برای این که انواع وصیت‌نامه‌ها و اقدامات تربیتی که اولیای الهی کرده‌اند، معطوف به حوزه اخلاق و روابط اجتماعی است، ولی تربیت اقتصادی و شغلی در درجه بعد قرار می‌گیرد. چراکه آن‌جا چهار پنج روایت داشتیم که اعتبار خاصی نداشت. بله البته در اصل کسب حلال و این که در مسیر حلال استفاده بکنند، به عنوان امر اخلاقی و فقهی وجود دارد ولی رتبه‌بندی‌ها این‌طور می‌شود.

مباحثی که تاکنون مطرح شد، تکمله‌هایی بر بحث‌های قبلی بود. یعنی یک بخش متمیم بر مباحث تربیت بدنی بود. یک بخش بر تربیت اقتصادی، بخش دیگر تربیت اخلاقی و آداب و در نهایت یک بخش در حوزه تربیت اجتماعی بود. که هر یک از این مباحث را باید در جای قبلی خودش بگنجانیم و در آن‌جا قرار می‌گیرد. ادله تکلیف می‌آورد، حال این تکلیف الزامی یا رجحانی، اثر خودش را می‌گذارد، منتهی جایی که به طور خاص وارد شود تأکید بالاتری را افاده می‌کند. مثلاً در عبادت معلوم است که شارع در بحث عبادی عنایت خاصی دارد





که خانواده به طور خاص باید به عبادت بچه توجه کند. یعنی فراتر از قواعد عمومی شرع، به طور ویژه ورود پیدا کرده است.

در تربیت اقتصادی کم و بیش داشتیم ولی به طور ویژه نیست؛ ولی در عین حال تکالیف عمومی که اگر می‌داند این کار را نکند بچه به شغل‌های حرام روی می‌آورد، باید اقدام بکند و کار کند، ولی این که این قدر ریز و با دقت و عنایت بخواهد وارد بشود، چنین دقتی به ترتیب، در عبادت هست، در اخلاق به معنای عمومی‌اش هست، در تربیت اجتماعی هم هست ولی تربیت اقتصادی بعد قرار می‌گیرد یا در تربیت جنسی به طور خاص خیلی ورود داشت. یعنی دو چیزی که به طور ویژه، شرع به آن ورود و توجه دارد، یکی عبادات است، یکی مسائل جنسی است. شرع در این دو به طور ریز روش داده، موارد خاص ذکر کرده علاوه بر این که قواعد عمومی هم در اینجا مطرح است. این هم تکمله این بحث بود.

## روش‌های عمومی تربیتی

بخش دیگری در اینجا باقی مانده که تا به حال متعرض آن نشده‌ایم و جسته و گریخته در ضمن بحث‌های قبلی مطرح شده است، روش‌های تربیتی است که جنبه عمومی دارد. ما در هر یک از این ساحت‌ها اصول و روش‌هایی مربوط به خود ساحت‌ها داشتیم که عرض کردیم. اصول و قواعد عامه هم داشتیم که آن را نیز بیان کردیم. یک سلسله روش‌های عمومی هم برای تربیت وجود دارد که در همه ساحت‌ها می‌تواند انطباق پیدا کند. که مجموعه‌ای از بحث‌های تشویق و تنبیه و امثال این‌ها است که البته نیازمند بحث بیشتر در این زمینه هستیم. لذا ما بحث تربیت خانوادگی را نمی‌بندیم و آن را سال آینده، طی یک بحث روش‌های عام تربیت خانوادگی که مورد ابتلا هم هست و یک بخش از آن هم اینجا آمده و علاوه بر آن قواعد عمومی دارد و هم مسائل خاص خود را دارد و مبتلا به هم هست، بیان می‌کنیم.

آنچه ما تاکنون عرض کردیم تربیت خانوادگی و مقدمات و مبادی بحث بود. بعد هم چند ساحت بیان کردیم. در هر کدام، قواعد عمومی که در این ساحت‌ها تکالیف را روشن می‌کند، مشخص شده، سپس در هر ساحت، روایات خاصه و تکالیف خاصه مشخص شده است. این بحث کلی فقهی که اینجا آمده است اما بحث‌های روشی ریزتری که باقی مانده و مجال برای ورود آن نیست، سال آینده بحث می‌کنیم.

ما در نظام بندی گفتیم، اگر بخواهیم نظام کلان را طراحی کنیم یک بحث مبنایی قبل از بحث فقهی خواهیم داشت. که ما آن بحث‌های فقهی مان را نمی‌کنیم که همان بحث نگاه اسلام به خانواده و فرزند است که توصیفیات



اسلام را بیان نکند. اگر کسی بخواهد عسرتنا را بنویسد و نظام تربیت خانوادگی را بنویسد و یک بحث جامع انجام دهد، باید چند کار را تکمیل کند. اول این که بحث‌های توصیفی و فلسفه خانواده و نگاه اسلام به خانواده و فرزند را به عنوان مبانی معرفتی و حصر شناسی این بحث بیاورد، بعد وارد فقه شود، بعد فقه را منظومه‌سازی کند و این منظومه فقهی را با دیدگاه‌های بنیادی معرفتی ربط دهد. آن وقت ماحصل کار، نظام تربیت خانوادگی می‌شود که ما بخشی از آن را انجام دادیم که از لحاظ فقهی بود. یک مقدار هم باقی ماند. مباحثش در فلسفه تربیتی هم باید جای دیگری بحث شود. این مجموعه نظام جامعی می‌دهد و واقعاً جای این کارها در خیلی از عرصه‌ها خالی است. علی‌رغم کارهایی که شده، ما در مراحل اولیه این مباحث هستیم و اگر پیش برویم، برکات فراوانی می‌تواند داشته باشد. چون الان مجال نیست که وارد بحث روش‌ها بشویم، همین امروز بحث را تمام می‌کنیم.